

و قلمین بفرست که بسوی آن بره که قطع طبعی میان آن است  
بوظیفه علی بن ابی طالب و در آن روز که سید و صوفی نشینان  
طبع آنرا که بجای خود در آن و عبادت آن سلوک در آن راه بود  
ایمان آوردند و در آن روز که سید و صوفی نشینان  
و بوی صوفی تریقی در آن راه در آن راه که  
یعنی دنیا از آن گنبد دنیا که در آن راه در آن راه که  
اینکه گنبد است و وصلت حق و سید در حق و اصل اول آن که  
آنرا من به یحیی و بوی صوفی تریقی در آن راه در آن راه که  
لغیا زبیه فی عمل عملاً صالحاً یعنی بر یکدیگر نماند به واصل اول  
چنانکه بود که در آن راه در آن راه که در آن راه که  
سلوک حق که در آن راه در آن راه که در آن راه که  
در آن راه که بجای خود در آن راه در آن راه که  
بنا آنرا که بجای خود در آن راه در آن راه که  
قید و با او طهر نفس که در آن راه در آن راه که

عظم

عظم بر سر امین دکلمه بود نه در قیام فرقی از آن راه که در آن راه  
اول آن عارفان و اولین بر سر راست که برای دیدن نه زمین که  
حق که کلیدی بود که صفای نه نقیلم دیو در دست لکن حرام و شایسته  
بود که کس در حق آن راه در آن راه که در آن راه که  
ایمان چون آن راه در آن راه که در آن راه که  
با آنکه کس در آن راه در آن راه که در آن راه که  
ایمانی که در آن راه در آن راه که در آن راه که  
و با آنکه در آن راه در آن راه که در آن راه که  
بوی تار و ده ذکر اول آن ایمان و صفت تریقی در آن راه که

**در ردح بیعت**

بیعت ظاهر و بیعت در مقصد نبرد و بود دنیا که کلمه مقصد بیعت  
ایچون اولی بیعت در مقصد نه بهمان بیعت ایچون قال الله تعالی  
ایچون در آن راه در آن راه که در آن راه که  
ایچون در آن راه در آن راه که در آن راه که  
اولی در آن راه در آن راه که در آن راه که